

بررسی چگونگی کاربرد اسناد در مطالعات تاریخ معماری ایران*

احسان طهماسبی**

چکیده

اسناد، مدارکی نوشتاری اند که برخی رویدادهای مهم زندگی در دوران مختلف، در آنها ثبت شده است. هدف این مقاله شناسایی استعداد معماریانه اسناد و چگونگی استفاده از آنها در مطالعات تاریخ معماری ایران است. روش تحقیق مقاله به صورت تحلیل محتوا و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه‌ای است. برای آشنایی با نحوه خواندن اسناد و ویژگی‌هایشان، نخست، تاریخچه و انواع و اجزای آنها و سپس انواع خط و زبان به کاررفته در اسناد را مطالعه می‌کنیم. در بخش اصلی مقاله، به چگونگی کاربرد این مدارک در مطالعات تاریخ معماری ایران می‌پردازیم و با مثال‌هایی، نحوه یافتن اطلاعات معماریانه در آنها را نشان می‌دهیم. بااهمیت‌ترین اسناد در این زمینه، وقف‌نامه‌ها، فرمان‌های حکومتی، نامه‌ها و گزارش‌های اداری و اسناد خرید و فروش‌اند. این مدارک گاهی وضعیت جامعه زمان خود را انعکاس می‌دهند و گاهی مستقیماً به اطلاعات مربوط به معماری آثار اشاره می‌کنند. از جمله داده‌های معماریانه مهمی که با جست‌وجو در آنها می‌توان یافت، چنین‌اند: وضعیت شهرها و بناها و تغییراتشان در طول زمان، مکان جغرافیایی و حدود اربعه املاک، تاریخ دقیق ساخت اثر، نام فضاها، جزئیات کالبدی و فنی، هنرها و مشاغل وابسته به معماری و اصطلاحات معماریانه. برای این تحقیق، به کتاب‌ها و مقالاتی که درباره تاریخچه و ویژگی‌های اسناد نوشته شده است و همچنین به متن اسناد رجوع کرده‌ایم.

کلید واژه‌ها

سند، تاریخ معماری ایران، اطلاعات معماریانه.

* این مقاله بخشی از طرح پژوهشی‌ای است با عنوان «منابع درجه اول معماری ایران» که زیر نظر دکتر مهرداد قیومی بیدهندی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی انجام گرفته است.

** مری دانشگاه آزاد اسلامی، گروه معماری، واحد سروستان، tahmasbie@gmail.com

پرسش‌های پژوهشی

۱. اسناد چه نسبتی با مطالعات معماری ایران دارند؟
۲. چه نوع اطلاعات معماریانه‌ای را می‌توان در اسناد جست‌وجو کرد؟
۳. کدام اسناد حاوی داده‌های معماریانه مفصل‌تری‌اند؟

مقدمه =

«سند» مدرکی نوشتاری است که معمولاً رویدادها و فعالیت‌های دیوانی و قضایی در آن ثبت می‌شود (قائم‌مقامی ۱۳۵۰، ۱۳). در تعریفی دیگر، سند را نوشته‌ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد، نیز گفته‌اند (رضایی ۱۳۹۰، ۱). اسناد گاهی یکتا بوده و گاهی از روی آن‌ها، در شماری محدود، استنساخ صورت می‌گرفته است. جنس ماده‌ای که سند روی آن نگاشته می‌شده، در دوره اسلامی، معمولاً کاغذ و پارچه و پیش از آن، چرم، پایروس، گل و... بوده است. کتیبه‌ها و سنگ‌نبشته‌ها و همچنین مدارک تصویری در دسته‌های دیگری از مدارک قرار می‌گیرند؛ البته در این دسته‌بندی‌ها گاهی مرزها با یکدیگر هم‌پوشانی می‌کند. برخی منابع و مراجع قانونی مانند سازمان اسناد ملی ایران، همه مدارک صوتی و تصویری و نوشتاری را زیرمجموعه اسناد قرار داده^۱ که این به‌علت وظیفه سازمانی آن‌هاست.

اسناد از منابع درجه اول برای مطالعه تاریخ معماری به‌شمار می‌روند، زیرا غالباً با پدیده مورد بررسی معاصرند؛ گرچه ممکن است گاهی در آن‌ها اطلاعاتی درباره بناهای کهن‌تر نیز وجود داشته باشد. برخی از اسناد اختصاص به یک بنای خاص دارند و در پارهای از موارد، در آن‌ها به مجموعه‌ای از آثار اشاره شده است. در شماری نیز مشخصاً از بنایی نام برده نشده است، اما اطلاعات مفیدی درباره بستر تاریخی و جغرافیایی آثار یک دوره به چشم می‌خورد. درباره کاربرد اسناد در مطالعات معماری، تاکنون پژوهشی جامع انجام نگرفته و فقط در چند مقاله، به‌صورت موردی، چند سند تاریخی و رابطه آن‌ها با برخی آثار و مسائل معماری بررسی شده است که به آن‌ها اشاره خواهیم کرد. ر این مقاله، می‌خواهیم بدانیم اسناد چه نسبتی با تاریخ معماری ایران دارند و میزان کمی و کیفی اطلاعات معماریانه آن‌ها چگونه است. روش تحقیق این مقاله به‌صورت تحلیل محتوا و روش گردآوری اطلاعات آن کتابخانه‌ای است. برای این منظور، نخست، مروری کوتاه بر اسناد اندک به‌جا مانده از دوران پیش از اسلام خواهیم داشت. سپس به معرفی اسناد دوره اسلامی و اجزا و نحوه طبقه‌بندی آن‌ها می‌پردازیم. بخش بعدی آشنایی با انواع خط و زبان به‌کاررفته در اسناد است که به ما در تشخیص تاریخ و نوع سند کمک می‌کند. در قسمت چهارم و اصلی مقاله، چگونگی کاربرد هر یک از اسناد را در مطالعات معماری ایران بررسی می‌کنیم، به‌منظور شناخت دقیق‌تر استعداد معماریانه هر یک از آن‌ها و نسبت مستقیم یا غیرمستقیمشان با معماری. مهم‌ترین اسناد در این زمینه، فرمان‌های حکومتی، نامه‌ها و گزارش‌های اداری، اسناد خرید و فروش، وقف‌نامه‌ها و شماری از اسناد امروزی است.

در این تحقیق، از چند دسته از منابع استفاده کرده‌ایم: گروه نخست درباره تاریخچه و دسته‌بندی اسناد است؛ گروه دیگر به تاریخچه انواع خط می‌پردازد؛ سوم منابعی است که نمونه‌هایی از اسناد تاریخی در آن‌ها به چشم می‌خورد؛ و آخرین دسته، مقاله‌هایی است که در آن، به بررسی رابطه یک یا چند سند با معماری اشاره شده است. هدف اصلی این مقاله شناسایی استعداد معماریانه اسناد و چگونگی استفاده از آن‌ها در مطالعات تاریخ معماری ایران است.

۱. اسناد در ایران پیش از اسلام

مدارک به‌جامانده از دوران پیش از اسلام گسترده نیست و بیشتر در حوزه کتیبه‌ها قرار می‌گیرد. اسناد نوشتاری بسیار محدودند و دسترسی عمومی به آن‌ها بسیار سخت است؛ بنابراین، در اینجا فقط اشاره‌ای کوتاه به آن‌ها خواهد

شد. مهم‌ترین اسناد به‌جامانده از نخستین امپراتوری ایران، هخامنشیان، حدود شش هزار لوح گلی به خط میخی ایلامی است که در حفاری‌های سال‌های ۱۹۳۳-۱۹۳۴ م در تخت جمشید یافت شده است. مهم‌ترین اطلاعات این لوح‌ها درباره سازمان اداری هخامنشیان و وضعیت مقام‌های ارشد آن، خزانه‌ها، کارکنان، دستمزدها و مالیات‌هاست (کخ ۱۹۹۲، ۳۱). تنها سند باقی‌مانده از دوره اشکانیان، «بنچاق اورامان» نام دارد که سه قطعه چرم‌نوشته مربوط به معامله دو تاختستان است. این اسناد در اورامان کردستان پیدا شده و اکنون در موزه بریتانیاست. یکی از آن‌ها به خط و زبان پارسی است و در آن، از مقدار تاختستان خرید و فروش شده و قیمت و تاریخ و طرفین معامله و شاهدان نام برده شده است (عریان ۱۳۸۲، ۱۷). از دوره ساسانیان، نوشته‌هایی روی پاپيروس و پوست و چرم به‌دست آمده که به خط پهلوی و متعلق به اواخر آن دوره است. دسته‌ای از آن‌ها نامه‌های دیوانی‌اند که نام برخی مکان‌ها و منصب‌ها ذکر شده و دسته دیگر اسناد تجاری و اقتصادی‌اند (تفضلی ۱۳۸۶، ۱۰۷). مهرها اسناد معتبرتری برای شناخت این دوره به‌شمار می‌روند. از مهم‌ترین کاربرد آن‌ها در مطالعه تاریخ معماری ساسانیان، شناسایی نام شهرهای اصلی آنان در فارس است (دریایی ۱۹۹۹، ۲۲).

۲. انواع اسناد در ایران دوره اسلامی و اجزای آن

ورود اسلام به ایران موجب دگرگونی کلی در ساختار حکومت و روابط حقوقی مردم شد؛ اما این تغییرات ناگهانی نبود، بلکه به‌مرور و طی چندین دهه روی داد. در قرن یکم هجری و حتی شاید بیش از آن، هنوز اسناد دیوانی و دفترهای مالیاتی به خط و زبان پهلوی ساسانی (فارسی میانه) نوشته می‌شد و حتی روی سکه‌ها تصویر شاهان ساسانی بود (محمدی ملایری ۱۳۸۴، ۹۵). به‌نظر می‌رسد در ایران، اسنادی از چند قرن نخستین این دوره به‌دست نیامده، اما انواع مختلفی از آن‌ها، متعلق به سده‌های بعدی، به‌جا مانده است.

اسناد تاریخی در دوره اسلامی را با چند شیوه دسته‌بندی کرده‌اند. از معتبرترین آن‌ها دسته‌های چهارگانه است که به این صورت طبقه‌بندی شده است: یکم، اسناد مرتبط با زندگی روزمره مردم و روابط مالی و حقوقی آن‌ها با یکدیگر که خود به دو گروه اسناد مالی^۲ (قباله خرید و فروش، رهن، اجاره‌نامه و...) و اسناد حقوقی^۳ (عقدنامه، وصیت‌نامه، وکالت‌نامه، استشهادنامه، و...) تقسیم می‌شوند؛ دوم، اخوانیات که شامل مکاتبات دوستانه و نامه‌های خانوادگی است؛ سوم، مکاتبات درباری که در گذشته به آن سلطانیات می‌گفتند؛ چهارم، دیوانیات که اسنادی اداری درباره امور دولتی‌اند، مانند دفتر مالیاتی و گزارش مأموریت و... (قائم‌مقامی ۱۳۵۰، ۴۱).

در طبقه‌بندی دیگر، دو مقوله شرع و عرف مبنا قرار گرفته و اسناد بر این اساس به دو دسته تقسیم شده‌اند: یکم، اسناد شرعی که برآمده از مباحث فقهی (معاملات و احکام و عبادات) بوده و به‌دست اشخاص ذی‌صلاح، مطابق با رسم سندنویسی همان دوره، تنظیم شده است؛ دوم، اسناد عرفی که حاصل از نظام سیاسی حاکم و شرایط اجتماعی و روابط روزمره انسانی است. اینها خود شامل دو گروه‌اند: یکی اسناد دیوانی که نتیجه کار نظام اداری است و دیگری اسناد شخصی مانند نامه‌ها (رضایی ۱۳۹۰، ۳). منبعی دیگر اسناد را به دو دسته رسمی و عادی تقسیم کرده است: «سند رسمی سندی است که در مرجعی ذی‌صلاح تنظیم شده و سند عادی سندی است که در مرجعی ذی‌صلاح تنظیم نشده باش» (فدایی ۱۳۹۰، ۳). شاید بتوان اسناد را به شیوه‌های ساده‌تری نیز دسته‌بندی کرد؛ مانند اسناد دیوانی و قضایی و شخصی یا به‌صورت اسناد حکومتی و مردمی.

برخی اسناد مانند مکاتبات شخصی ساختار نگارش و تدوین ساده‌تری دارند، اما بیشتر آن‌ها مفصل‌تر و دارای اجزای بیشتری‌اند. اسناد معمولاً دو بخش اصلی «متن» و «اضافات» دارند. متن از سه رکن اصلی «مقدمه» (مطلع) و «رکن کلام» (احوال یا شرح موضوع) و «خاتمه» تشکیل می‌شود؛ البته برخی اسناد کم‌اهمیت‌تر فاقد مقدمه و خاتمه‌اند (قائم‌مقامی ۱۳۵۰، ۱۵۳). اسناد دارای اضافاتی شامل بسمله (تحمیدیه) و مهر^۴ و سچلات (تسجیلات)^۵ و تاریخ کتابت و ثبت دفتری بوده^۶ و شماری متمم (تکلمه) و ظهریه^۷ نیز داشته‌اند. (رضایی ۱۳۹۰، ۱۷-۲۱).

«فرمان» به‌طور کلی، به همه اقسام دیوانیاتی که حاوی دستورات و مصوبات پادشاهان بوده، گفته می‌شده است. برخی منابع، براساس محتوا و نحوه تحریر، این اسناد را به گونه‌هایی مانند منشور، مثال، حکم، نشان و...

نام‌گذاری کرده‌اند. در دوره قاجار، کلمه «فرمان» رسمیت یافت و همه احکام مکتوب پادشاه را به این نام می‌خواندند (قائم‌مقامی ۱۳۵۰، ۴۴-۴۶). فرمان‌ها معمولاً علاوه بر متن، دارای اضافات خاصی بودند. «تحمیدیه» که عبارت بود از حمد و سپاس خدا در آغاز سند و به صورت‌های «هو»، «بسم‌الله الرحمن الرحیم»، «الملک الله‌ تعالی» و... می‌آمد. گاهی روی فرمان‌ها، برای تأیید اعتبارشان، نوشته‌ای به دست‌خط شاه می‌آمد یا نشان و علامت وی روی سند زده می‌شد که به آن، «توقیع» یا «طغرا» می‌گفتند. در دوره قاجار، پس از مهر و توقیع، سند را برای تأیید نهایی به پیش‌شاه می‌بردند و او بر حاشیه آن می‌نوشت: «صحیح است» که به آن «توشیح» می‌گفتند. این نوشته پس از مدتی به صورت امضا و خطوطی پیچیده درآمد (همان، ۱۶۷ و ۲۲۰).

«اسناد خرید و فروش» یا «مبیاعه‌نامه‌ها» با بسمله‌ای مانند «بسم‌الله الرحمن الرحیم» یا «هو المالك بالاستحقاق» یا «هو البایع» آغاز می‌شده و سپس عبارتی چون «غرض از تحدید این کلمات شرعی الدلالات» یا «مختوم به خیر و ثواب» می‌آمده است. متن اصلی قبالة مواردی شامل نام و القاب فروشنده و خریدار، مورد معامله، مقدار و حدود اربعه، الحاقات و منضمات ملک مانند عمارات و اشجار و میاه و غیره، و بها به پول رایج زمان را در بر می‌گرفته است. همچنین، شرایط متعاملان از جمله بلوغ و رشد و عقل و اختیار ذکر می‌شود و اگر اصحاب معامله از اشخاص برجسته و مقامات مهم کشوری و دینی بودند، اسامی و القابشان در بالای سند و بعد از بسمله و قبل از متن نوشته می‌شده که شامل نام و نام پدر و القاب و عبارات متناسب با شخصیت اجتماعی آن‌ها بوده است مانند «افتخارالتجار و الاشراف» و «عمد الاجلاء و الاعیان». مهر و تسجیلات گاهی در حاشیه راست سند و گاهی در بالای آن، میان تحمیدیه و مقدمه قرار می‌گرفت (اختری ۱۳۷۷، ۵۵).

در «عقدنامه‌ها» (نکاح‌نامه)^۸ پس از عباراتی چون «هو المؤلف بین القلوب» و مقدمه، متن شامل نام و القاب زوج و زوجه و نوع عقد و میزان مهر به پول رایج یا املاک با ذکر مشخصات و حضور یا عدم حضور بوده است. در انتهای قبالة، برای ذکر تاریخ تحریر از عباراتی مانند «کان وقوع ذلك فی...» و ذکر تاریخ براساس تقویم هجری قمری استفاده می‌کردند. اطراف قبالة دارای تذهیب و تشعیر بود و در حاشیه راست و خارج از کادر مهر و امضای شهود نوشته می‌شد (رضایی ۱۳۹۰، ۸۰).

«وقف‌نامه‌ها» دارای جزئیات و اطلاعات بیشتری‌اند. وقف‌نامه مانند اسناد دیگر با بسمله‌ای مانند «هو الواقف علی ضمائر العباد» و «بسم الله الواقف علی النیات» و مقدمه‌ای آغاز می‌شود. سپس از واقف و ویژگی‌های او سخن به میان می‌آید. پس از آن، «رقبات وقف» ذکر می‌شود که شامل همه اموال غیر منقولی است که وقف شده مانند عمارت، قنات، باغ، قریه و... در ادامه، «موقوف علیه» یا «موقوف علیهم» می‌آید که حکایت از آن دارد که اموال و منافع موقوفه به چه اشخاص حقیقی و حقوقی و مکان‌هایی تعلق می‌گیرد؛ مانند وقف قنات دولت‌آباد یزد برای حرم پیامبر(ص) در مدینه. در قسمت «مصارف»، توضیحات دقیقی درباره چگونگی استفاده از درآمدها آورده شده است. بخش دیگر درباره «تولیت»، به معنی مدیریت مستقیم موقوفه است که گاهی واقف، خود عهده‌دار آن می‌شود و گاهی به شخصی دیگر تنفیض می‌کند. مواردی دیگری نیز بسته به نوع موقوفه و میزان مفصل بودن آن، درباره «شروط»، «جریان صیغه»، «نظارت»، «لعنت‌نامه»، «تجدید سند» و... به چشم می‌خورد. در پایان، تاریخ سند و گاهی نام کاتب ذکر شده است. مهر و سجالات در پایین و حاشیه سند جای گرفته‌اند (شیخ‌الحکمایی ۱۳۸۸، ۹-۱۱). در دوره معاصر^۹ نیز اسناد فراوانی پدید آمده که افزون بر موارد بالا، گونه‌های جدیدی نیز دارد: در مقیاس بین‌المللی اسنادی مانند معاهده، قرارداد، قطعنامه، بیانیه و...؛ در امور اداری معمول اسنادی چون اخطاریه، احضاریه، صورت‌جلسه، آگهی، پروانه، و...؛ اسناد مالی روزمره مانند رسید پیش‌پرداخت، قبوض، استعلام بها و... (قائم‌مقامی ۱۳۵۰، ۱۴۰). این اسناد معمولاً دارای طرح و ساختاری ساده و اغلب به صورت چاپی‌اند و می‌توان آن‌ها را در شمارگان بسیار تکثیر کرد.

۳. انواع خط و زبان به کاررفته در اسناد

زبان نگارش اغلب اسناد متعلق به سده‌های نخستین دوره اسلامی فارسی بوده و براساس منابع، این شیوه تا اوایل خلافت عباسیان، به‌ویژه در امور دیوانی، رواج داشته است (محمدی ملایری ۱۳۷۴، ۱۰۷). از قرن پنجم تا دهم هجری، بسیاری از اسناد به زبان عربی نوشته می‌شد که گاهی در آن‌ها اصطلاحات مغولی^{۱۱} و ترکی^{۱۲} نیز به کار می‌رفت. از دوره صفوی، اسناد معمولاً به زبان فارسی بوده است که در آن‌ها واژگان عربی^{۱۳} و اصطلاحات حقوقی مذهبی نیز دیده می‌شود. همچنین، برخی مقدمه‌ها و تحمیدیه‌ها به عربی نوشته می‌شد (اختری ۱۳۷۷، ۶۳). خطی که در قرون اولیه هجری برای نوشتن، به‌ویژه کتابت قرآن استفاده می‌شد، «کوفی» بود که خود انواعی داشت (فضائلی ۱۳۵۰، ۱۲۶). تا اینکه ابن مقله بیضاوی (شیرازی) در قرن چهارم هجری، خطوط شش‌گانه را جایگزین آن کرد. هر یک از این خطوط که در زمانی و برای کاربردی خاص رایج شد (برات‌زاده ۱۳۸۴، ۴۴) عبارت بودند از:

- «محقق» و «ریحان» برای مصاحف و دیوان‌ها که تا قرن دهم هنوز به کار می‌رفت (همان، ۴۶).
 - «ثلث» بیشتر برای نوشتن پشت جلد کتاب‌ها و سرلوحه و آموزش خوشنویسی استفاده می‌شد و کاربردش در کتیبه‌نگاری معماری از قرن ششم هجری آغاز و در قرن هشتم بسیار متداول شد (حاجی‌قاسمی ۱۳۹۰، ۳۰۸).
 - «توقیع» برای نوشتن پایان کتاب‌ها و قرآن و در مواردی، فرمان‌ها و منشورهای حکومتی.
 - «رقاع» برای وقف‌نامه‌ها و امور دیوانی.
 - «نسخ» که به خط قرآنی نیز مشهور است، برای مکاتبات نیز به کار می‌رفت و در دوره اتابکان (قرن ششم ق.) به اوج خود رسید. (فضائلی ۱۳۵۰، ۳۹۰).
- از حدود قرن ششم یا هفتم خطی به نام «تعلیق» جای رقاع و توقیع را گرفت و به‌ویژه برای نگارش امور دیوانی به کار می‌رفت (برات‌زاده ۱۳۸۴، ۶۳). خط «نستعلیق» برگرفته از نسخ و تعلیق، از نیمه قرن هشتم کاربرد پیدا کرد و در قرن یازدهم به «شکسته نستعلیق» تبدیل شد (همان، ۶۹). در دوره قاجار نیز اسناد را معمولاً با همین خط می‌نوشتند، همچنین در آن زمان، از دل این خط سبکی تازه و ساده‌تر به نام «شکسته تحریری» نیز بیرون آمد (رضایی ۱۳۹۰، ۱۱۳).

نوع دیگر از خط به نام «سیاق» در اسناد به کار می‌رفته که شکلی رمزگونه‌اش داشته است. به عبارت دیگر، «سیاق» شیوه‌ای نوشتار رمزگونه است برای ثبت ارقام نقدی (پول) و جنسی (اوزان کالاها) که تجار، کسبه، مؤسسات، دیوانیان، ممیزان و حساب‌رسان از آن استفاده می‌کردند. این خط تا چند دهه پیش هنوز متداول بود و در مدارس نیز تدریس می‌شد (صفی‌نژاد ۱۳۸۷، ۹). گویا سیاق یا سیاقی برگرفته از خطی به نام سیاق است که ابداع آن را به ترکان سلجوقی نسبت می‌دهند و در دولت عثمانی رایج بوده است (برات‌زاده ۱۳۸۴، ۶۸).

دانستن تاریخچه خط و زبان به کاررفته در اسناد از آنجا مهم است که هنگام یافتن اسنادی که فاقد تاریخ مشخص‌اند، با دقت در نوع خط و زبان‌شان بتوانیم زمان نگارش آن‌ها را تا حدودی حدس بزنیم یا اینکه بدانیم متعلق به کدام زمان به قبل نمی‌تواند باشد؛ مثلاً اگر سندی با خط شکسته نستعلیق نوشته شده بود، احتمال اینکه متعلق به دوره قاجار باشد، فراوان است؛ یا اگر با خط نستعلیق بود، قاعدتاً قدمتش به بیش از سده هشتم هجری باز نمی‌گردد.

۴. چگونگی کاربرد هر یک از اسناد در مطالعه تاریخ معماری ایران

همه اسناد به شکل بالقوه، منابع مطالعه تاریخ معماری ایران‌اند؛ زیرا هر یک از آن‌ها به گونه‌ای با وجهی از زندگی انسان ایرانی مرتبط‌اند. از آنجاکه تاریخ معماری با تاریخ زندگی بشر عجین است، بررسی هر سندی که بخشی از کیفیت زندگی انسان در یک عصر را برآیند روشن کند، به شناخت معماری متناسب با آن زندگی نیز کمک کرده است. اما از سوی دیگر، مورخ معماری نمی‌تواند به سراغ همه اسناد برود و باید منابعش را براساس پرسش‌ها و روش تحقیق خود محدود کند.

شناسایی اسناد از نظر استعداد معماری آن‌ها نخستین گام برای این است که بدانیم هنگام تحقیق در تاریخ معماری ایران، سراغ کدام یک از آن‌ها برویم. نکته دیگر درباره توقع محقق از اسناد از منظر نوع اطلاعاتی است که به دست می‌دهد. به عبارت دیگر، محقق باید بداند چه پرسشی را در چه سندی می‌توان جست‌وجو کرد. همچنین، یک پژوهشگر معماری باید بداند که نادیده گرفتن اسناد موجب عدم آگاهی از بسیاری از اطلاعات دست اول مرتبط با یک اثر و بستر تاریخی و جغرافیایی آن خواهد شد و به همین ترتیب، ممکن است به اشتباهات بزرگ در نتیجه‌گیری‌ها بینجامد.

فرمان‌های حکومتی معمولاً مضامینی سیاسی و اجتماعی دارند، با این همه، شماری از آن‌ها حاوی اطلاعات معماریانه هستند. مهم‌ترین نکاتی که در آن‌ها یافت می‌شود، وضعیت شهرها و آثار و تغییراتشان در زمان صدور فرمان است. همچنین، می‌توان دیدگاه حاکمان دربارهٔ وجوه مختلف ساخت‌وساز و توسعه را ارزیابی کرد. از بهترین نمونه‌های این‌گونه اسناد «فرمان واگذاری اراضی دارالخلافهٔ ناصری» در ۱۲۹۰ق به دست ناصرالدین شاه بوده و موضوع آن، واگذاری یکصد هزار ذرع از اراضی دارالخلافهٔ تهران به میرزا فتحعلی‌خان صاحب‌دیوان شیرازی به منظور توسعهٔ شهر تهران است. این فرمان اهمیت فراوانی در شناخت تاریخ تحول شهر تهران و چگونگی و علت گسترش آن دارد (نظری ۱۳۸۶، ۹۴-۱۰۰).

نمونه سند دیگر «فرمان شاه‌عباس بزرگ برای بنای کلیسای جلفای اصفهان» است که هم دربارهٔ جزئیات بنا نکاتی می‌توان یافت و هم وضعیت اقلیت‌های مذهبی را در ایران صفوی درک کرد. در بخشی از آن چنین آمده است: «...» چون در دارالسلطنهٔ اصفهان پایتخت همایون و از هر طبقه و طوایف مردم هر ملت در آنجا هستند، می‌خواهیم که جهت مردم مسیحیه در دارالسلطنهٔ مذکوره کلیسای عالی در کمال رفعت و زیب و زینت ترتیب دهیم [...] چون چند عدد سنگ بزرگ در اوچ کلیسای ایروان بوده و عمارت آن کلیسا منهدم گشته، خرابی تمام به آن راه یافته، دیگر شایستگی تعمیر نداشت و کشیش آنجا استخوان‌های پیغمبران را که در آن مکان مدفون بودند، از آنجا بیرون آورده، به جماعت نصاری و ترسایان فروخته، آن مقام را از عزت و شرافت انداخته بود، بنابر آن سنگ‌های مذکور را از آنجا بیرون آورده، روانهٔ دارالسلطنهٔ اصفهان فرمودیم که در کلیسای عالی که در آنجا ترتیب می‌دهیم، نصب فرماییم [...]» (قائم‌مقامی ۱۳۴۸، ۲۴).

شمار نامه‌های حکومتی و گزارش‌های اداری‌ای که بتوان از آن اطلاعات معماریانه گرفت، بسیار اندک است و بیشتر باید در جست‌وجوی اسنادی از این دست بود که در آن‌ها وضعیت آثار و املاک به پادشاه و درباریان گزارش شده است. «کتابچهٔ عرایض توپخانهٔ مبارکه» گزارشی است به ناصرالدین شاه در ۱۳۰۴ق دربارهٔ وضعیت میدان توپخانه، ابنیهٔ آن مانند انبارها و اصطبل، و توپ‌های موجود در توپخانه. پادشاه نیز در پایان هر قسمت که موضوعی جداگانه دارد، دستوری نوشته است. در گزارش نخست چنین می‌بینیم: «میدان توپخانه از طاق‌های تحتانی سمت شمال دو سه طاق فرو رفته، آن یک سمت تماماً نشست کرده، به قدری بی‌اعتبار شده است که توپچی را به کلی از بالاخانه‌های آن سمت خارج ساخت. پی‌بندی بااعتباری لازم دارد که مایهٔ اطمینان باشد، سایر طاق‌ها و بالاخانه‌های سمت جنوب و شرقی و غربی میدان نیز اغلب شکسته است، [...]» (همان، ۲۴۵) ناصرالدین شاه در پایان این بخش، این دستور را داده است: «نایب السلطنه، همین دست‌خط را هم جناب امین السلطان ملاحظه کند، هرچه از این خرابی‌ها در جزء تعمیرات امسال منظور شده است که عاجلاً مشغول ساختن شوند، هرچه هم که در جزء بازدید نیست، آن‌ها را هم جناب امین السلطان آدم بفرستد که ملاحظه کند هر قدر مخارج لازم دارد و لازم شد، به عرض برساند، حکم آن خواهد شد» (همان، ۲۴۶). در این گزارش، افزون بر درک وضعیت میدان در سال، با شماری واژه‌های مرتبط با معماری رایج در آن زمان و اشخاص مهم حکومتی نیز آشنا خواهیم شد.

اسناد خرید و فروش، که به نام مباحه‌نامه و مصالحه‌نامه مشهورند، حاوی اطلاعات دقیقی دربارهٔ ملک معامله‌شده هستند؛ زیرا ویژگی‌های کالبدی و محل ملک باید دقیقاً در آن‌ها مشخص شود؛ برای نمونه، در سند خرید رقبات مسجد کلهر کاشان چنین آمده است: «یک باب دکان ارسی دار متصل به مسجد درب بازار غزل/ مابین درب مسجد مزبور و دکان دیگر مصالح مزبور/ و به شارع متفرعات و منضعات آن بالتمام» (صدری ۱۳۷۹، ۶۶). سند مالکیت

(قبالة شش دانگ) از دیگر اسنادی است که چنین خصوصیتی در آن دیده می‌شود. منابع از گونه‌ای سند به نام «صریح‌الملک» نیز نام برده‌اند که حاوی اطلاعاتی درباره وضعیت جغرافیایی ملک یا املاک اشخاص بوده و در هنگام معامله از آن استفاده می‌شده است (قائم‌مقامی ۱۳۵۰، ۱۳۱). «هبه‌نامه»، که سندی است درباره بخشیدن ملکی به شخص دیگر و نیز «استشهادنامه» که تعلق ملکی به شخصی را تصدیق می‌کند، اسنادی کمیاب‌ترند که حاوی اطلاعاتی شبیه به اسناد خرید و فروش‌اند^{۱۳} (رضایی ۱۳۹۰، ۱۶۷).

«حسب‌نامه» که براساس آن، مالک می‌تواند حق انتفاع از ملک خود را به دیگری واگذار کند، از اسناد بااهمیت برای مطالعه تاریخ معماری است؛ زیرا حدود اربعه ملک و مشخصات اجزای آن باید دقیقاً در آن مشخص شود؛ برای مثال، در بخشی از حسب‌نامه‌ای متعلق به جایی در تهران دوره قاجار چنین آمده است: «[...] واقع است در قرب عمارت مسکونی آن معتمد السلطان در گذر سرتخت در محله عودلاجان و محدود است بهذه الحدود: حدی به عمارت قمر مهرجاه؛ حدی به عمارت میرزا تقی‌خان؛ حدی به شارع عام، حد دیگر ایضا به شارع عام، با جمیع لواحق شرعیه و توابع عرفیه آن خانه و دکاکین از ممر و مدخل و مجری و مشرب و جدران و حیطان و ابواب و اخشاب و ابنیه و آلات و عرصه و اعیان و فوقانی و تحتانی و غیرها مما یتعلق بها و ینسب الیهها بدون وضع استثناء چیزی از شش دانگ آن عمارت و دکاکین. [...]» (همان، ۱۳۶).

وقف‌نامه‌ها بهترین گونه اسناد برای مطالعه در تاریخ معماری ایران به‌شمار می‌روند. تعدادشان نیز از دیگر اسناد باقی‌مانده بیشتر است؛ زیرا هم از جنبه حقوقی و هم شرعی اهمیت بسیاری دارند. مطالب وقف‌نامه‌ها، به‌ویژه آن‌هایی که مفصل‌ترند، اطلاعات معماریانه فراوانی را از مقیاس کلان، مانند شهر و منطقه تا مقیاس خرد، مانند اجزا و عناصر بناها دربرمی‌گیرد. همچنین، برای شناخت مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مرتبط با موقوفات نیز سودمندند. به بیان دیگر، با مطالعه وقف‌نامه‌های یک دوره می‌توان فهمید که احوال جامعه در آن زمان چگونه بوده است؛ مثلاً اگر از دوره‌ای شمار فراوانی وقف‌نامه به‌جا مانده باشد، می‌توان حدس زد که کشور دارای ثبات و امنیت مناسبی برای ساخت آثار متعدد و نیز امید به باقی‌ماندن آن‌ها و منفعت رساندن به عموم وجود داشته است. با مطالعه برخی وقف‌نامه‌ها می‌توان نام بسیاری از شهرها و روستاها و ولایت‌ها را شناسایی کرد و به نام‌های تاریخی آن‌ها پی برد. از جمله این اسناد «کتابچه املاک اینجوی فارس» است که وقف‌نامه‌ای مربوط به اموال خاندان سادات انجوی شیرازی متعلق به قرن هشتم هجری بوده است. در این سند، نام بسیاری از مکان‌های ایالت فارس، به‌ویژه اطراف شیراز، ذکر شده است که خود می‌تواند آغاز پژوهش‌های بسیاری در زمینه جغرافیای تاریخی باشد (افشار ۱۳۸۹، ۱۱۷).

یکی از مهم‌ترین کاربردهای وقف‌نامه‌ها، بازسازی فرضی مجموعه بناهایی است که کاملاً ویران شده و فاقد نقشه یا متون تاریخی‌اند. شماری از آن‌ها که مفصل‌تر و مربوط به مکان‌ها و اشخاص مهم‌اند، اطلاعات خوبی درباره نام فضاها و حتی چگونگی قرارگیری‌شان در کنار یکدیگر دارند. «وقف‌نامه ربع رشیدی» متعلق به عصر ایلخانیان نمونه بسیار خوبی است که چند پژوهشگر براساس آن توانسته‌اند از شهرک ربع رشیدی، که خواجه رشیدالدین فضل‌الله بنیان گذاشته بود، نقشه‌های کلی و بازسازی‌های سه‌بعدی فرضی ارائه دهند (بلر ۱۳۸۷، ۴۷-۷۳ و بلالی اسکویی ۱۳۸۹، ۵۱-۷۶). البته بازسازی‌های ارائه‌شده کاملاً یکسان نیستند؛ زیرا فقط با تکیه بر یک سند که هدف از نگارش آن تهیه نقشه نبوده است، به همه جنبه‌های معماری یک اثر نمی‌توان دست یافت، داشتن دانش تاریخ معماری و توانایی تحلیل و مقایسه اثر با دیگر آثار نیز لازم است.

در برخی وقف‌نامه‌ها بناها با جزئیات توصیف شده‌اند که مواردی چون ابعاد، شکل ظاهری، مصالح و فن ساخت را دربرمی‌گیرد. این اسناد افزون بر کاربرد در مطالعه تاریخ معماری، برای مرمت آثار نیز مفیدند؛ زیرا وضعیت اصیل بناها را می‌نمایانند. یکی از وقف‌نامه‌های مناسب در این زمینه، «وقف‌نامه قنات دولت‌آباد یزد» است که باغ دولت‌آباد و عمارت‌هایش را با دقت توصیف می‌کند. در بخش‌هایی از آن چنین می‌بینیم: «[...] و آن خیابانی است به طول پنج شش میل و عرض چهل پنجاه ذراع که درختان آن سر به فلک کشیده و از آواز آبشارهایش فلک روی استراحت ندیده» (شیخ‌الحکامی ۱۳۸۸، ۸۴). «[...] در وسط هر دو مدخل به رسم زیرزمین، مواضع خوب و امکان مرغوب

سرانجام شده و تمام آن‌ها به سنگ و آهک و گچ، صورت پذیرفته» (همان، ۸۶). «منظرهایش شبیه منظر شمس و قمر، و شیشه‌های ارسی‌اش از زجاجیت دیده‌ی صاحبان بصیرت روشن‌تر» (همان‌جا).
 با مطالعه‌ی وقف‌نامه‌های متعلق به یک دوره‌ی خاص، می‌توان به برخی ویژگی‌های جامعه‌ی آن زمان دست یافت. ذکر مواردی چون حامیان و بانیان، اداره‌کنندگان، مقیمان، عوامل ساخت، اقتصاد بنا، کارکردها و مشاغل مرتبط با بنا در وقف‌نامه‌ها، وجهه‌هایی از زندگی مردم دوره‌ی خاص را می‌نمایاند. مثلاً در «وقف‌نامه‌ی مسجد مدرسه‌ی ناصری تهران» درباره‌ی نحوه‌ی اداره‌کردن مشاغل مرتبط با حمام و باغچه‌چین آمده است: «اول، اجرت یک نفر حمامی و یک نفر جامه‌دار و دو نفر دلاک و یک نفر گلخن‌افروز از بابت پانزده سهم مقرر در فصل دویم که برای اخراجات حمام و باغچه مقرر شده با رعایت صرفه‌ی وقف داده شود. [...] چهارم، تخم گل و نهال و لوازم دیگر برای باغچه‌ها به قدر ضرورت که باغبان لازم بداند از پانزده سهم مقرر مزبوره داده شود» (همان، ۱۳۳). در مثالی از منظر دیگر، در دوره‌ی صفوی برخی واقفان زنان بوده‌اند، با بررسی وقف‌نامه‌های منسوب به ایشان، نقش زنان در توسعه‌ی معماری آن عهد روشن می‌شود (ریاحی ۱۳۸۹، ۱۶۸-۱۴۳).

وقف‌نامه‌ها از نظر اصطلاحات مربوط به معماری نیز بسیار غنی‌اند. برخی از این واژگان امروزه هم متداول‌اند؛ مانند ساباط، قُبّه، ذراع، جلوخان و... اما شماری از آن‌ها اکنون کمتر به کار می‌روند؛ مانند اخطاط کردن (طرح‌ریزی بنا روی زمین)، شراب‌خانه (جای شربت)، حوائج‌خانه (انبار مواد غذایی) و... گاهی از واژه‌های معمارانه برای تشبیه نیز استفاده می‌شده است، چنان‌که در آغاز «وقف‌نامه‌ی مسجد مدرسه‌ی ناصری تهران» این‌گونه آمده است: «ترازنده‌ی بنیان دار ایجاد و فرازنده‌ی ایوان سع شداد، چون بر اقتضای حکمت بالغه به سرپنجه‌ی قدرت کامله‌ی خویش، قواعد بیت پیکر جنس انس برافراخت [...] که سالار سپاه نشسته‌ی آفرینش است و واقف رموز مدرّس دانش و بینش، تا زوایای صحن خاطر آن از تعلقات اعلاق این سرای مزخرف بپردازد و سراپای حجره‌ی درونش به فروغ معرفت صانع خویش منور سازد» (شیخ الحکمایی ۱۳۸۸، ۹۵).

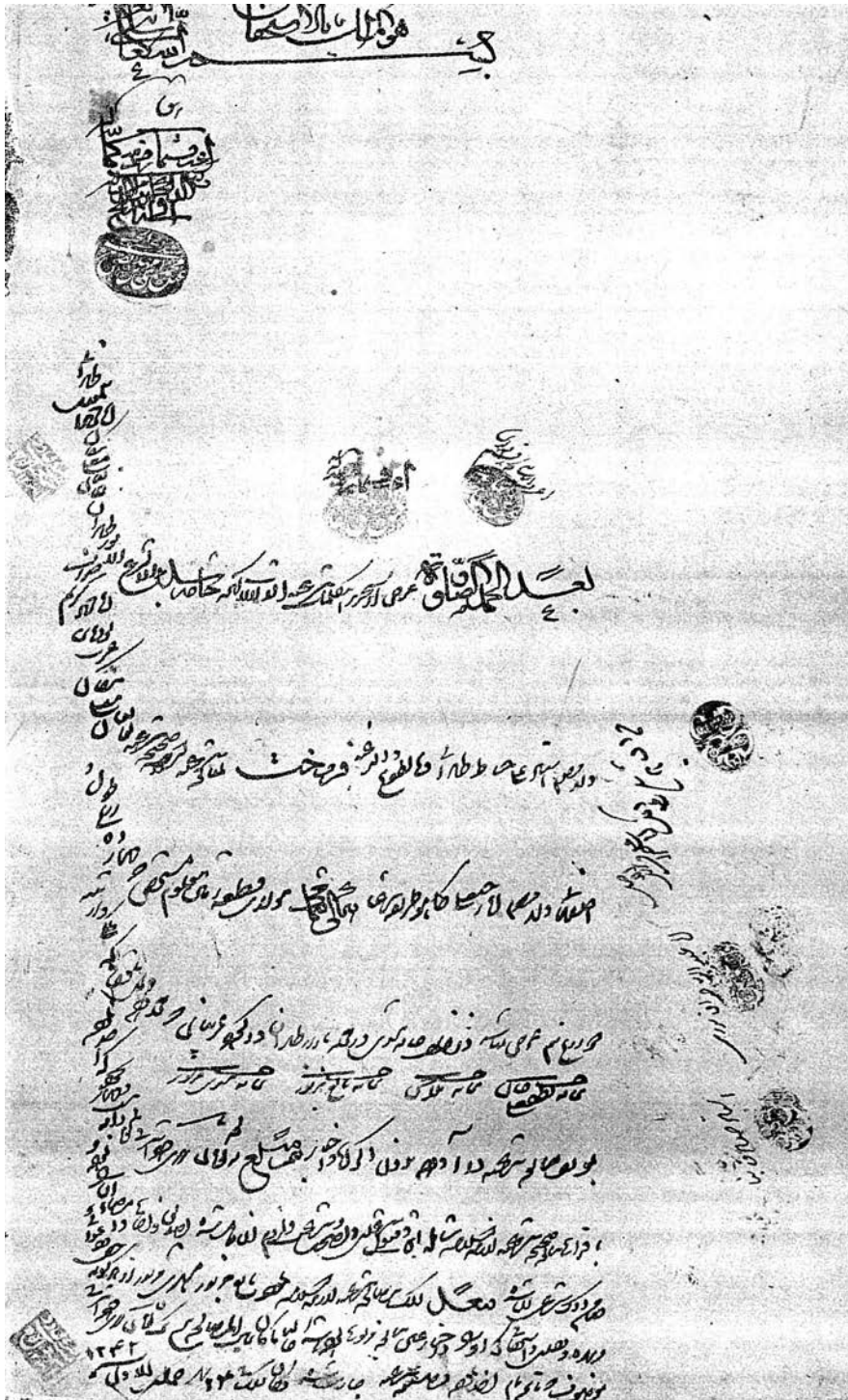
موارد دیگری که با مطالعه‌ی وقف‌نامه‌ها می‌توان به آن‌ها را شناخت، چنین‌اند: تاریخ دقیق ساخت اثر، پیشینه‌ی بنا و مکان، اقلیم و طبیعت منطقه، الگوهای معماری، وسایل و ظروف درون بنا، تأسیسات آبی، هنرهای وابسته به معماری، آداب ساخت، و الگوهای زندگی اجتماعی و فردی.

از آنجاکه معماری معاصر ایران نیز بخشی از تاریخ معماری این سرزمین است، بررسی اسناد امروزی نیز نقش مهمی در شناخت معماری ایران دارد. بخشی از این اسناد که عام‌ترند، بیشتر به منزله‌ی اسناد تاریخی برای آیندگان به‌شمار می‌روند؛ اما برخی دیگر مستقیماً با رویدادهای معماری امروز مرتبط‌اند، از جمله آن‌ها قوانین شهرداری‌ها و سازمان میراث فرهنگی، مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری، پروانه‌های ساختمانی، قراردادهای و امثال اینها.

نتیجه‌گیری

اسناد یا مدارک نوشتاری حاوی اطلاعاتی هستند که برخی وجوه زندگی انسان در دوران مختلف را می‌نمایاند. اسناد یافت‌شده در ایران، بیشتر متعلق به دوره‌ی اسلامی است و از دوران پیش از آن، شمار اندکی در دست داریم. اسناد را به شیوه‌های گوناگونی تقسیم کرده‌اند، از جمله آن‌ها دسته‌بندی دوتایی به شکل شرعی و عرفی، یا سه تایی به صورت دیوانی و قضایی و شخصی است. این مدارک خود نیز دارای چند بخش اصلی مقدمه و رکن کلام و خاتمه بوده‌اند. زبان نگارش اسناد در سده‌های نخستین اسلامی و از دوره‌ی صفویان به بعد فارسی بوده، درحالی‌که در سده‌های میانی بسیاری از آن‌ها را به عربی می‌نوشته‌اند. خطوط به کاررفته در آن‌ها، از آغاز تاکنون، تغییر کرده و از خط کوفی شروع و به خط شکسته‌ی تحریری ختم شده است. بررسی خط می‌تواند محققان را در شناخت نوع و تاریخ سندهای مبهم یاری رساند.

از آنجا که معماری، همواره در طول تاریخ، در مقام کالبد زندگی انسان بوده است، هر شناختی درباره‌ی کیفیت زندگی به درک معماری مرتبط با آن کمک خواهد کرد؛ بنابراین، رابطه‌ی هم مستقیم و هم غیر مستقیم میان شناخت



تصویر ۲: سند «خرید و فروش» متعلق به دوره قاجار (قائم مقامی ۱۲۵۰، ۳۰۱)

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۶ - پاییز و زمستان ۹۳

پی‌نوشت‌ها

۱. در بخشی از قانون این سازمان چنین آمده است: «اسناد مذکور در این ماده شامل کلیه اوراق، مراسلات، دفاتر، پرونده‌ها، عکس‌ها، نقشه‌ها، کلیشه‌ها، نمودارها، فیلم‌ها، نوارهای ضبط صوت، و سایر اسنادی است که در دستگاه دولت تهیه شده و یا به دستگاه دولت رسیده است و به طور مداوم یا غیر مداوم در تصرف دولت بوده و از لحاظ اداری، مالی، اقتصادی، قضایی، سیاسی، فرهنگی، علمی، و تاریخی به تشخیص سازمان اسناد ملی ایران ارزش نگهداری دائمی داشته باشند.» (فدایی ۱۳۹۰، ۱۶۳).
۲. این اسناد را در دوره قاجار «اوراق سندی» می‌نامیدند.
۳. به این اسناد در دوره قاجار «اوراق صریحه» گفته می‌شد.
۴. گاهی مهرها دارای عباراتی حک شده مانند عیده و عیده‌الراجی و غیره بوده‌اند که «سَجج» نامیده می‌شوند و از نظر رجال‌شناسی اهمیت دارند.
۵. سَجج به معنی ثبت و تصدیق سند به دست شهود است. قباله را حداقل یک نفر امضا یا تسجیل می‌کرده است.
۶. نک: قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۱۳۴ و ۲۲۷ و ۲۳۹ و ۲۴۰.
۷. توضیحاتی که پشت سند افزوده می‌شده، مانند حدود اربعه املاکی که در متن سند از آنها نام برده شده است.
۸. این اسناد را به نام‌هایی چون صدق‌نامه، مهرنامه، قبالة زناشویی، سند ازدواج، و قبالة مناخه نیز می‌شناسند.
۹. در غرب معمولاً آغاز قرن بیستم را دوره معاصر محسوب می‌کنند، اما در ایران اتفاق نظر بر تاریخ مشخصی وجود ندارد و رویدادهای تاریخی چون زمان صدور فرمان مشروطیت، آغاز حکومت پهلوی، نهضت ملی شدن صنعت نفت، و غیره را آغاز دوره معاصر دانسته‌اند. (نک: فدایی ۱۳۹۰، ص ۱۱۶)
۱۰. مثلاً «سیورغال» که به معنی عواید زمینی است که حاکم به جای حقوق و مستمری به اشخاص می‌بخشد.
۱۱. مانند «تیول» که واژه‌ای است ترکی به معنای ملکی که شاه به کسی واگذار می‌کرد تا عواید و خراج آن را به جای مواجب و دستمزد خود بردارد. همچنین گاهی در اسناد از نام ترکی سال‌ها استفاده می‌کردند.
۱۲. مانند کاربرد حروف و اعداد «ابجد»
۱۳. «اجاره‌نامه‌ها» و «وصیت‌نامه‌ها» نیز گاهی حاوی اطلاعات معماریانه سودمندی‌اند.

منابع

- اختری، محمدعلی. ۱۳۷۷. قباله و قبالة‌نویسی در ایران. کانون، ش. ۶: ۴۷ - ۷۴.
- افشار، ایرج، و عمادالدین شیخ‌الحکمایی. ۱۳۸۹. اسناد معماری ایران، دفتر دوم. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری.
- برات‌زاده، لیلی. ۱۳۸۴. خوشنویسی در ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بلالی اسکویی، آریتا، و دیگران. ۱۳۸۹. طرح فرضی ربع و شهرستان رشیدی. صفه، ش. ۵۰: ۵۱ - ۷۶.
- بلر، شیلا. ۱۳۸۷. معماری و جامعه در دوره ایلخانیان، تحلیل وقف‌نامه ربع رشیدی. گلستان هنر، ۴ (۱۳): ۴۸ - ۷۳.
- تفضلی، احمد. ۱۳۸۶. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. تهران: سخن.
- دریایی، تورج. ۱۹۹۹. سقوط ساسانیان. ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی. ۱۳۸۳. تهران: نشر تاریخ ایران.
- رضایی، امید. ۱۳۹۰. درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ریاحی، محمدحسین. ۱۳۸۹. موقوفات ماندگار بانوان از اصفهان عصر صفوی. وقف میراث جاویدان، ش. ۷۱: ۱۴۳ - ۱۶۸.
- حاجی‌قاسمی، کامبیز، و کامبیز نوایی. ۱۳۹۰. خشت و خیال، شرح معماری اسلامی ایران. تهران: سروش.
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین. ۱۳۸۸. اسناد معماری ایران، دفتر نخست. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری.
- صدری، مهدی. ۱۳۷۹. اسناد خرید رقیبات و وقف‌نامه مسجد کلهر کاشان. وقف میراث جاویدان، ش. ۳۱ و ۳۲: ۶۴ - ۷۱.
- صفی‌نژاد، جواد. ۱۳۸۷. کوششی در آموزش خط سیاق. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- عربان، سعید. ۱۳۸۲. راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- فدایی، غلامرضا. ۱۳۹۰. مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشویی. تهران: سمت.

- فضائلی، حبیب‌اله. اطلس خط. اصفهان: انجمن آثار ملی اصفهان. ۱۳۵۰.
- قائم‌مقامی، جهانگیر. ۱۳۵۰. مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی ایران. تهران: انجمن آثار ملی.
- _____ ۱۳۴۸. یکصد و پنجاه سند تاریخی، از جلایریان تا پهلوی. تهران: انجمن آثار ملی.
- کخ، هایدماری. ۱۹۹۲. از زبان داریوش. ترجمه پرویز رجبی. ۱۳۸۵. تهران: کارنگ.
- محمدی ملایری، محمد. ۱۳۷۴. فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی. تهران: توس.
- نظری، فرهاد. ۱۳۸۶. فرمان واگذاری اراضی دارالخلافه ناصری. گلستان هنر، ۳ (۹): ۹۴ - ۱۰۰.